

مقدمه نوشتند مانور فرانسه در شمال شرق از این تاریخ مسلم گردید. و بلا ابتکار عملیات را از دست دادیم .

فرمانده کل نیروی فرانسه عصر ۲۴ اوت مطابق شرح ذیل بوزیر جنگ گزارش میدهد: «ما محکوم بیک دفاع متکی بقلاع و عوارض زمین هستیم؛ باید حتی الامکان کمتر اراضی از دست بدهیم. مقصود اصلی ما بایداریت با فرسوده کردن دشمن از برای اینکه بتوانیم در موقع مقتضی دوباره بحالت تفریحی در آییم.»

روز ۲۵ اوت فرمانده کل نیروی فرانسه دستور شماره ۴ را بارتشها صادر نمود که منظور آن بیشتر برای آماده کردن یک فتحی است تا جبران یک شکست؛ چه در حقیقت آن دستور شامل شرائط مانور فاتحانه ایست که در نبرد مارن صورت پذیر خواهد شد.

صحنه صربستان (نقشه شماره ۵)

صربها بر طبق نقشه جنگ نیروی عمده خود را در موضع مرکزی نزدیک والیو (Valievo) تمرکز داده و سرحد را در خط ساو (Save) و در بنا (Drina) بوسیله قسمت های مقدم پوشانده بودند. اطیشها ارتشهای خود را در خطر رودخانه ساو در بنا گسترده کردند.

اطیشها تعرض خود را بصربستان فقط در ۱۲ اوت شروع کردند گرچه بلگراد (Belgrade) را در اواخر ماه ژویه بمبارده کرده بودند. تعرض آنها در جبهه شاباتس (Chabatz) تالومبیوویا (Lombiovia) بطول ۱۶ کیلومتر با فرقه ستونها در جاده های پراکنده و مختلف صورت میگرفت.

صربها که از دفاع پایتخت چشم پوشیده بودند ارتش خود را در موقعیت مرکزی قرار دادند و در ۱۵ اوت جناح راست را در شاباتس و قوای عمده خویش را در ناحیه کوهستانی نسر (Naser) که مشرفه بود به پلادار (Iadar)



پوتنیک (Voivode Putnik)

رئیس ستاد ارتش صربستان

که شعبه دریناست ، تقریباً از وارنا تا کروپانا (Kroupana) مستقر ساختند .
روز ۱۶ اوت در یک جبهه ۴ کیلو متری محاربه شروع شد که تا ۲۰ آن ماه
ادامه یافت .

صربها که نخست مرکز شان عقب رانده شده بود بعداً بحمله متقابله مبادرت
کرده اذالحاق ستونهای مختلفه اطریش معامت نمودند و بشکافتن جبهه اطریشها
تائن آمده و دشمنرا با حال پریشان و بی نظمی بدره یادر عقب راندند .

در ۲۴ اوت اطریشها با دادن ۵۰ هزار اسیر و مقدار زیادی ذخایر جنگی
به پشت ساو ودرینا عقب نشستند . صربها موقتاً در ساحل راست ساو نقاط میترویتسا
(Mitrovitza) و زمین (Semlin) را تصرف کردند ولی از عهدنگاهداری
آنها بر نیامدند .

فتح صربها جبهه روسرا ازانقلاب ارتش اطریش بانجا موقتاً تا این بکوه .

صحنه شرق اروپا

دستورات کلی : مرحله اول جنگ سال ۱۹۱۴ در صحنه شرق برای روسها فقط از لحاظ اجرای دقیق تعهدات خویش نسبت به فرانسه و جلب قوای آلمان بسوی خود بدون رعایت مراتب آمادگی خویش خاتمه یافت. روسها ارتشهای خویش را مجبور با انجام راه پیمائیهای محجل حتی در مرحله تقرب نموده و بدین سبب وضع حمل و نقل آنها پریشان گشته و برای دشمن هم زمینه مساعدی فراهم شد که بتواند هر يك از ارتشهای روس را متناوباً درهم بشکند.

آرشیوهای مربوطه مملو از اسناد و مدارکی است که حاکی از فشار دولت فرانسه فرماندهی ارتش روس در این زمینه بوده است و فرماندهی روس هم بنوبه خود نسبت به مجریات امر فشار وارد میساخت. در این مرحله جنگ ملاحظات استراتژیکی صورت فرعی داشت و کمتر مراعات میشد، اساساً فرماندهی کل نیروی روس دچار اضطراب و نگرانی از سقوط احتمالی پاریس و مغلوب شدن فرانسه بود. این کیفیات نامساعد نسبت به جبهه آلمان تأثیرات کلی بخشید.

فرمانده کل نیروی روس در دستورات مورخه ۱۰ - ۱۲ اوت بجبهه شمالغرب برای شروع بتعرض در روز ۱۳ اوت (یعنی روز ۱۴ تجهیزات) و بجبهه جنوب غرب در ۱۸ اوت اوامر لازم صادر کرد. مأموریت جبهه شمالغرب عبارت بود از تعرض جدی ولی منظم به روس شرقی که بوسیله ارتش نمان (Niemen) و نارو (Narew) متفقاً جناحین دشمن را احاطه کرده و مواصلات او را با کونیگسبرگ (Königsberg) و ویستول سفلی قطع کنند؛ جبهه جنوب غرب مأمور بود که در آن واحد بوسیله تهاجم به گالیسی هر چه ممکن است قوای بیشتری از اطریشپهارا بسوی خود جلب و مشغول کند.

بعلاوه فرماندهی کل روس تقسیم بندیهای چندی اجرا کرده و اقدامات مخصوصی برای کمک به فرانسویها بعمل آورد: ارتش جدیدی (۹) برای تعرض به پوزنان (Poznan) یا برسلاو (Breslau) در ناحیه ورشو تمرکز داد.

روسیه تمهید خود را نسبت به متحد خود فرانسه بطور اکمل انجام داد اما آن اقدام کلیه در جریان آتیه جنگ مؤثر افتاد و مایه فداکاریهای مادی و معنوی زیادی برای دولت روسیه گردید .

جبهه آلمان

عقیده عموم بر اینست که در ماه اوت ۱۹۱۴ قوای روسها در پروس شرقی نسبت با آلمانها مضاعف بود و فی الحقیقه اگر تعداد قوای اختصاصی در نظر گرفته شود بلکه همینطور هم بوده است ولی اگر فقط تعداد قوای دو ارتش رنن کامپف و ساموف را که در عملیات شرکت کردند در نظر بگیریم خواهیم دید که برتری روسها بر آلمانها (باستثنای سوار) چندان زیاد نبود .

چنانکه عدم آمادگی کامل جنگی سپاه های روس و راه پیمائی های معجل ارتش سامسوف بسرحد پروس با آن کیفیات بسیار مشکل که موجب اتلاف تعداد زیادی از قرات او گردید در نظر گرفته شود باز هم از برتری روسها کاسته میشود . ارتش هشتم آلمان کلیه با لشکرهای احتیاط و لاندور مرکب از ۱۰ سپاه بود که بایستی ضمناً عده ساخلوهای چهار قلعه را که داخل عملیات صحرائی نیز شده و در حدود یک سپاه بودند بآن علاوه کرد . کلیه آلمانها در مقابل ۹ سپاه روس که بواسطه نقصان خطوط آهن پای بست سمت معینی بود قوایی بالغ بر ۱۰ سپاه برای دفاع ناحیه مستحکم خود که سالها جهت مدافعه آماده میگشت حاضر کرده بودند .

مقاصد طرفین (نقشه شماره ۸)

آرایش استراتژیکی طرفین در فوق ذکر شده است .

فرمانده ارتش هشتم آلمان برای اجرای مأموریت خود تصمیم گرفت که در مقابل تعرض غیر احتمالی روسها (بعقیده او) از سمت نارو بوسیله سپاه بیستم و قسمت های منضمه آن خود را پوشانده و بقیه قوا را برای جلوگیری از ارتش نمان روس در کنار رود خانه آنکراپ (Angerapp) تمرکز دهد . بدین طریق مشارالیه

میتوانست در مقابل رزن کامپف قریب چهار سپاه قرار دهد و نیز ضمن شد که قسمت مهم آنرا در جناح چپ خود تمرکز دهد که بدینوسیله در مقابل تعرض روس مقاومت عاملی ابراز دارد.

در نتیجه این نظریات ارتش آلمان در جبهه گلداپ - میلویشکن

(Goldap - Milwischken) آرایش گرفت بطوری که دو سپاه در شمال و جنوب

گومبی ن (Gumbinnen) واقع شد که جناح راست آنرا ناحیه مستحکم تسن و جناح

چپ آنرا لشکر سوار و تیپ ساخلوی تیلزیت در گراویشکن حفظ میکرد.

ماموریت ارتشهای جبهه شمال غرب روس بموجب دستورات ژنرال ژیلینسکی

که در ۱۳ اوت صادر گشته و مکرر تکمیل شده ، مخصوصاً درباره لشکر دوم هم

تغیر یافته بود مشخص گردید .

اساس دستورات او اجرای نقشه فرماندهی کل بود یعنی حمله بدشمن متوقف

در پروس شرقی با احاطه جناحین او .

قبلاً ژیلینسکی تصور میکرد که نیروی عمده دشمن در مغرب نواحی دریاچه ها است

ولی بعداً محل حقیقی آنها را در عقب رودخانه آنگراپ (Angerapp) معلوم کرد.

به ارتش یکم امر شد که در ۱۷ اوت از سرحد عبور کرده و از خط ولادیسلاوو -

سوالکی (Vladislavov - Suvalki) بسمت جبهه اینستر بورگ - آنگر بورگ

(Insterburg - Angerburg) شروع بتعرض کند و از سمت شمال خط دریاچه های

مازوری را دور زده و جناح چپ دشمن را احاطه نماید ، ضمناً فرمانده ارتش

جزئیات مأموریت را تشریح کرده و دستور داد که جناح چپ دشمن را روی رودخانه

آنگراپ بمنظور قطع روابط او با کونیگسبرگ هر چه ممکن است پیشتر احاطه کنند.

ارتش دوم (قبلاً مرکب از ۱ - ۵ بعداً ۱ - ۴ سپاه) مأمور بود که از ۱۸ اوت از

خط مبدأ آرایش خود : آوگوستوو - لومزا - اوستروئینکا - نووگبورگیوسک

(Augustowo - Lomja - Ostroienka - Novogheorghievsk)

بجبهه : روجانی - پاسن هیم (Passenheim) شروع بتعرض کرده و بعد بسمت راستن بورگ - ژنبرگ (Rastenburg-Zeeburg) به پهلو و عقب خط دریاچه هایش رود .

بطریق فوق هر دو ارتش روس متوجه احاطه يك ناحیه باریکی در شمال دریاچه ها شدند مثل اینکه تمام قوای آلمان در آنجا وجود دارد . در حقیقت امر بموجب نقشه آرایش بایستی ارتشهای روس چنین موقعیتی را اتخاذ کنند ولی این موقعیت اتفاقاً ایجاد گردید چه دشمن بتعرض روسها از سمت نارو یقین نداشت و فی الواقع قسمت بیشتر قوای خود را در کنار رود آنگر اپدر مقابل رنن کامپف تمرکز داده بود . ولی بایستی متذکر شد که ژیلینسکی موقع صدور دستورات فوق هیچگونه مدرک و اطلاعی از این تصمیم ژنرال بریتویتس (Prittwitz) در دست نداشت .

نقشه ای که برای محاصره آلمانها در شمال دریاچه ها طرح شده بود طبعاً اجرای عملیات اصلی را بعهده ارتش دوم محول میکرد که بیبایستی راه عقب نشینی آلمانها را قطع کند ، هر قدر ژنرال بریتویتس بیشتر بسمت مشرق پیش میرفت برای ژیلینسکی مفیدتر بود . این کیفیت کندهی حرکت ارتش رنن کامپف و سرعت حرکت ارتش ساسوف را ایجاب میکرد .

ولی درحین عمل عکس آن واقع شد : ارتش رنن کامپف نه فقط در نزدیکی سرحد آرایش گرفت بلکه یکشنبه روز زودتر شروع بتعرض نمود .

این قبیل دستورات بار دیگر نایبمیکند که در آغاز جنگ قرارگاه کل روس به نکات و مسائل استراتژیکی کمتر اهمیت داده و منظور اصلیش توجه در تسریع مساعدت نسبت بفرانسه بود .

حرکت ارتش دوم روس مستقیماً بسمت شمال طبعاً باعث نگرانی ژنرال ساسوف گردیده بود چه گذشته از آنکه اصولاً با این طرز عمل موافق نبود ممکن بود که جناح چپش در مخاطره واقع شده و مورد حمله ارتشهای

آلمان که در عقب‌صحنه پروس شرقی بودند قرار گیرد. در این زمینه اختلافات چندی بین سامسوف و ژیلینسکی تولید گردید که در اثر آن سامسوف ارتش خود را بسمت غرب میبرد ولی ژیلینسکی آرا بسمت شرق میکشاند بالاخره ارتش دوم چنانکه بعداً خواهیم دید در اثر آن کیفیت موفقی که بدشمن نزدیک میشد در اطراف پخش شده بود.

نبرد گومبی نین (Gumbinnen) (نقشه شماره ۸)

در ۱۶ اوت ارتش یکم (۳۱۰۰ پیاده و ۱۰۰۰ لشکر سوار) بخط مبداء ولادیسلاوو - سووالکی (Vladisvov-Suvalki) که قبلاً تعیین شده بود رسید با داشتن یک گروه سوار (۱۰۰۰ لشکر) در جناح راست و یک لشکر سوار در جناح چپ. سپاه‌ها بدون آنکه منتظر الحاق لشکرهای ذخیره شوند در یک جبهه وسیع قریب به ۸۰ کیلومتر آرایش گرفتند بطوریکه در همه جا قوای یکسان داشتند فقط در طرفین خط آهن کونو - کوبنگسبرگ (Kowno - Königsberg) قدری متراکم بودند (سپاه‌های ۲۰ و ۳۰).

در ۱۷ اوت (چهار روز دیرتر از انتظار فرماندهی کل) ارتش مزبور از سرحد عبور کرده پس از تلاقی با جلو دار ارتش پریتویاتس در ستالیو پونین (Stallupönen) حرکت خود را بسمت گومبی نین (Gumbinnen) ادامه داد. راه پیمائی با همان ترتیب سپاه‌ها انجام میگرفت و تدریجاً سپاه‌ها بمرکز نزدیک میشدند بطوریکه در موقع نزدیک شدن به گومبی نین طول جبهه ارتش به ۵۵ کیلومتر رسیده و تقریباً از کوسن در شمال تا گلداپ در جنوب امتداد داشت. فکر احاطه دشمن از سمت شمال در اثر همان تراکم مختصر دو سپاه نزدیک خط آهن پدید آمد مخصوصاً که در جناح راست روسها ۱۰۰۰۰ لشکر سوار وجود داشت. ولی این قسمت سوار در ۱۹ اوت پس از مصادمه دلیرانه نین بتن با تیپ لاندور ساخلوی تیلزیت در نزدیکی کراویشکن که از لحاظ استراتژیکی بیفایده بود مجبور بقیب نشینی شده و در محاربه شرکت نکرد.

در ۲۰ اوت یعنی روزیکه ژنرال رنن کامپف به ارتش خود استراحت داده بود ژنرال پریتویتس مصمم شد که با وحمله کند و ضربت اصلی را بجناح راستروسها وارد آورد.

با مقایسه قوا و تقسیم بندی طرفین ما تصادفی را مشاهده میکنیم که کمتر نظیر داشته: چه ارتشهای طرفین نه فقط از حیث قوا مساوی بودند بلکه از لحاظ تقسیم بندی هم یکسان بودند: هر دو طرف در ناحیه گومبوی نین دو سپاه امرکز داده بودند و جناح جنوبی آنها هم قدری ضعیف بود.

این نبرد از لحاظ تاکتیکی جنبه قطعی نداشت وای از لحاظ استراتژیکی فتح کامل نصیب روسها گردید چه پریتویتس نه تنها از میدان جنگ خارج شد بلکه از امکان نگاهداری پروس شرقی نیز اساساً مأیوس گشته و تصمیم گرفت که ارتش خود را بسقب رود ویستول برد.

بایستی در نظر داشت که پیشروی ارتش ژنرال سامسوف هم در این تصمیم پریتویتس بی اثر نبود، زیرا که ارتش سامسوف در ۲۰ اوت جبهه یوهانیسبورگ - خورژله و ملاوارا (Johannisburg - Chorshele - Mlawa) اشغال کرده بود. عدم شرکت سوار نظام عظیم رنن کامپف در عملیات مانع شد از اینکه او بتواند پس از محاربه از وضع ارتش آلمان اطلاعی حاصل کند و تصور کرده بود که دشمن فقط در چند کیلومتری به یک موضع مستحکمی عقب نشسته است. کندی حرکت بعدی ارتش رنن کامپف را هم بایستی بهمین علت دانست که هنوز قوای دشمن رادر مقابل خود مساوی با قوای خویش فرض میکرد.

در ۲۳ اوت زمانیکه ارتش دوم پس از دفع قسمت های مقدم دشمن بجبهه: اورتلسبرگ - نیدنبورگ - ملاوا (Ortelsburg - Neidenburg - Mlawa) رسید و بکمک ارتش یکم احتیاج خاصی حاصل کرد ارتش مزبور با کمال تانی در آن تاریخ محدود دارکهمن (Darkehmen) رسیده بود. تا ۲۶ اوت که شکست فاحش و اضمحلال ارتش سامسوف پیش آمد رنن کامپف بخطر رودخانه

و لاوه راستن بورگ (Welau - Rastenburg) رسیده و در آن خط
توقف کرده بود .

یکی از جنبه های خاص تعرض ارتش یکم روس که پس از نبرد گومبی ن قابل
توجه است تأثیر روحی است که نزدیکی قلعه مهم درجه اول موجب آن گردیده و
حواس فرمانده ارتش را پریشان ساخته بود و بهمین سبب از وظیفه اصلی خویش
یعنی تعقیب دشمن در حال عقب نشینی و تعاون متقابله با ارتش دوم بکلی منحرف
شده بود .

بالاخره تأثیرات و عواقب این نبرد غیر قطعی گومبی ن چه بود ؟ تأثیرات آنرا
برای جبهه شمال غرب روس ذکر کردیم ، اصولاً باعث شد که ارتش سامسوف
مجزی مانده و بسر نوشت خویش قویض گردد . ولی این نبرد تأثیرات مهمی در جریان
تمام جنگ بخشید :

اولاً - فرانسویها مساعدت اساسی کرد چه آلمانها را مجبور ساخت که هنگام
اخذ نتیجه قطعی در جبهه جنگ دو سپاه و یک لشکر سوار خود را از جبهه فرانسه
کاسته و با سرعتی هر چه نامتر بجبهه روس اعزام دارند . بهلاوه این سپاه ها را
آلمانها از توده ضربتی خود برداشتند که عاقبت فقدان آن نه تنها در نبرد سرحدات
بلکه در نبرد مارن نیز تأثیرات عمیقی بخشید .

ثانیاً - بآلمانها فهماند که روسها در حالیکه مشغول تعرض بسمت اطریشها
هستند قادرند که بر ضد پروس شرقی نیز بمیلیات تعرضی اقدام کنند و این موضوع طبیعتاً
باعث شد که آلمانها جبهه شرق را بیشتر مراقبت و تأمین نمایند لذا يك قسمت از
قوای جدیدالتشکیل را بدانسو روانه ساختند .

ثالثاً - برای جبهه شرق فرمانده هان جدیدی (هیندنبرگ و لودندرف)
تعیین شدند که بواسطه اخلاق و سابقه خود فرماندهی کل آلمان را وادار بانتقال
مرکز ثقل جنگ از جبهه غرب بجبهه شرق میگردند . این کیفیت باعث شد که فکر
فرماندهی کل آلمان بدو جهت متوجه شود و حتی تمام اختیارات هم بدست هیندنبرگ
و لودندرف قویض گردد .

جبهه اطریش

در جبهه اطریش جریان عملیات در مرحله دوم و سوم جنگ توسعه یافت لذا این قسمت را در موقع خود بررسی خواهیم نمود. در مرحله اول قوای طرفین مشغول عمل تقریبی بودند.

منظور روسها از این تقرب جلو بردن گروه شرقی ارتشها بود (۳ و ۸) که خیلی در عقب واقع شده بودند که بدین وسیله تمرکز گروه شمالی ارتشها را (۴ و ۵) که هنوز خاتمه نیافته بود تامین کنند. اطریشها که زودتر متمرکز شده بودند در ۲۳ اوت بوسیله ارتشهای جناح چپ خود اقدام بتعرض کردن و مقصودشان تهاجم بقضای بازی بود که بین ویستول و لوبلین وجود داشت باید اینکه گروه شمالی ارتشهای روسرا بسمت شرق برانند.

محاربات جلودارها که در ۲۰ و ۲۳ اوت در این حدود جریان داشت توجه فرماندهی روسرا باشتباهی که در تمرکز قوای خود و تشخیص غلطی که راجع به آرایش دشمن داده بود جلب نمود، روسها از خطر بیکه متوجه جناح راست جبهه ایشان شده بود آگاه گشتند و بهمین سبب برای سوق قوای احتیاط اثراتریکی فرماندهی کل باین حدود اقدام نمودند.

جنگ دریائی

داخل شدن انگلیس در جنگ بكمك متفقین بحدی باعث تقوی نیروی دریائی متفقین گشت که جریان عملیات دریائی را پیش از وقت روشن ساخت.

با این وضع مشکل بنظر میرسد که ناوگان آلمان از روی میل بخواهد به نبرد در دریای باز مبادرت کند، گرچه دریا سالار آلمان فنر پیتس (Von Tirpitz) پیشنهاد کرد که او را مأمور جلوگیری از پیاده شدن قوای انگلیس در قاره اروپا نمایند، ولی در حقیقت امر معلوم بود که دریا سالار مزبور ناگزیر است بدفاع سواحل خود اکتفا کرده و از موقع مناسب هم برای حمله بسواحل دشمن استفاده کند

و برای جنگ با ناوگان عظیم دشمن نیز روش خاصی اتخاذ نماید که بالاخره جنگ زیر دریائی در نظر گرفته شد .

در دوم اوت ناوگان فرانسه حکمی دریافت داشت که به پادو کاله (Pas-de-Calais) رفته و از عبور احتمالی ناوگان آلمان جلوگیری نماید . ولی بواسطه عدم تساوی نیروی طرفین این عملیات ممکن بود بقول نویسندگان فرانسوی فقط به نجات شرافت پرچم فرانسه ، منتهی گردد .

فقط دخول انگلیس در جنگ وضعیت را در اوت شدیداً تغییر داد و اداره عملیات دریائی در اقیانوس اطلس ، دریای لمانش و دریای شمال بعهده انگلیسها واگذار گشت .

ناو بخش دوم سبک فرانسه که بوسیله یکدسته رزم ناو انگلیس تقویت شده بود از سمت شرق مدخل دریای لمانش را که بوسیله اژدر افکن های فرانسه و انگلیس حراست میشد تأمین کرده بود . باین واسطه حمل ارتش اعزامی انگلیس بقاره اروپا از ۸ تا ۱۰ اوت (۱۵۰ هزار نفر) با کمال سهولت بدون هیچ مزاحمتی از طرف ناوگان آلمان انجام گرفت .

در نتیجه این وضعیت انگلیسها از کافی بودن دفاع لمانش اطمینان حاصل کردند و حتی ناو بخش های دوم و سوم خود را به مأموریت های دیگر فرستاده و زره دار های ساخت قدیم آن دو ناو بخش را برای تقویت ناو بخش یکم مأمور نموده و از آن تاریخ ناو بخش یکم بنام ناوگان بزرگ خوانده شد و در آبهای بریطانیا با داشتن تکیه گاه اصلی ذراسکاپا فلو (Scapa Flow) بحال تمرکز قرار گرفت .

در دریای مدیترانه عملیات دریائی بوسیله فرانسویها اداره میشد .

در دریای مزبور عملیات ناوگان متفقین در این مرحله جنگ عبارت بود از حمل سپاه ۱۹ فرانسه از الجزایر بخاک فرانسه و تعاقب بی حاصل رزم ناو های آلمانی گبن (Geben) و برسلاو (Breslau) که پس از بمباردمان سواحل

الجزایر در داردانل پنهان شده و برای تقویت ناوگان عثمانی روانه گشتند. عملیات دیگر آن ناوگان از ۱۶ اوت بمباردمان نقاط مستحکم سواحل دالماسی (Dalmatie) و کاتارو (Cattaro) بود که بدون نتیجه ماند زیرا ناوگان اطریش در پولا (Polà) پنهان شده بود.

در آن موقع که قوای عمده دریائی متفقین در آبهای اریه یا تقریباً بیکار بودند در دریاهای دوردست جنگ رزم ناوها در جریان بود

آلمانیها از آغاز عملیات جنگی با فعالیت زیادی بجنگ رزم ناوها که تجارت متفقین و حمل مواد خام را برای آنها دچار اختلال میکرد پرداختند و ارتباط آنها را با روسیه و مستعمرات دچار اشکال کردند و از تصرف مستعمرات آلمان ممانعت مینمودند.

رزم ناوهای آلمان بیشتر در نواحی ذیل تمرکز داشت: «امدن» (Emden) «کونینگبرگ» در اقیانوس هند، «کارلسروهه» در دریای آنتیل و «درسدن» در قسمت جنوبی اقیانوس اطلس و بالاخره ناو بخش قوی دریا سالار شپه (Spee) در اقیانوس کبیر.

با این مرحله جنگ فقط آغاز مبارزه با رزم ناوهای آلمان مربوط میشود که در تمام مدت سال ۱۹۱۴ دوام داشت.

عملیات در مستعمرات

با در نظر گرفتن این نکته که نبایستی جنگ را تنها برای انهدام نیروی جنگی دشمن دانست بلکه بایستی حتی الامکان اراضی او را نیز بتصرف در آورد تا هنگام انعقاد صلح دشمن در مقابل امری واقع شده قرار گیرد، لذا فرانسه و انگلیس از همان روزهای اول جنگ در تصرف مستعمرات آلمان کوشش بسیار کردند.

بعد از آنکه منقله جنگ توسعه یافت عملیات مستعمراتی گذشته از سراسر افریقا در قسمتی از آسیا هم راه یافت و از صورت تسخیر مستعمرات آلمان تجاوز کرده و بتصرف بازارهای جدید متوجه گردید.

نخستین مستعمره آلمان که طرف حمله متفقین قرار گرفت اراضی حاصلخیز توگو (Togo) بود که در مغرب افریقا بین داهومی (Dahomey) مستعمره

فرانسه و کت دولور (Côte de L'Or) انگلیس واقع شده بود. هفت گروهان انگلیس و فرانسه در ۷ اوت از دو طرف داخل خاک توگو شده و شهر های بندری لومه (Lome) و پی یولو را تصرف کردند و پس از الحاق بیکدیگر بسمت شهر کامینا (Camina) مرکز آن مستعمره شتافتند. پس از تصادم شدید با نیروی آلمان در موضع شرا (Chra) در ۲۶ اوت متفقین بشهر کامینا نزدیک شدند و دشمن تسلیم گردید.

مقارن همان احوال جنگ های مستعمراتی با آلمان در سایر نقاط آفریقا نیز شروع شد ولی در اثر استقامت آلمانیها دوام یافت و در بعضی نقاط چند سال بطول انجامید.

عملیات در اقیانوس کبیر در آن تاریخ عبارت بود از تصرف مستعمرات آلمان و آغاز جنگ ژاپون با آلمان.

چندین جزیره و مستعمره آلمان واقع در شمال استرالیا که بواسطه باز شدن ترعه پاناما کسب اهمیت نظامی و تجارنی کرده بود از قبیل: زمین امپراطور ویلهلم (گینه جدید آلمان) (Guinée)، جزایر ساموا (Samoä)، مارشال، کارولین و ماریان در طرف چند روز بدست متفقین افتاد.

منافع آلمان به نقطه در جنوب اقیانوس کبیر بلکه بیشتر در آبهای چین با منافع ژاپون اصطکاک پیدا کرد.

در سال ۱۸۷۹ آلمانها قسمتی از اراضی ساحلی چین موسوم به کیاچا او (Kiao - Tchéou) را تصرف کردند بزودی آرا آباد و مرکز اقتصادی ایالات شمالی چین ساختند و بندر تسینگ تاو (Tsing - Tao) واقع در آن خاک که تکیه گاه قوی ناوگان آلمان بود بیک بندر تجارنی قابل توجهی مبدل گردید. در ۱۵ اوت ژاپونیا با آلمان او ائیمانوم داده تحلیه کیا اوچا او را خواستار شدند. اوئیمانوم بلا جواب ماند، و جنگ شروع شد، ناوگان ژاپون با پشتیبانی ناو بخش کوچک انگلیس بندر تسینگ تاو را محاصره کرده و یک قسمت از ناو بخش دریا سالار شپه (Spee) را در آجا محبوس کردند و برای تأمین محاصره بندر چند جزیره مجاور را اشغال نمودند.

پس از آنکه در آغاز ماه سپتامبر ۱۹۱۴ سپاه اعزامی ژاپون (۱۰۰ لشر و توپخانه دریائی) که بوسیله قوای انگلیس (۱۳۰۰ نفر) تقویت شده بود در مشرق تسنگ ناو یاده شده و از طرف خشکی و دریا بر ضد قلعه شروع بعملیات نمود.

در ۲۰ سپتامبر آلمانها مواضع مقدم خود را تخلیه کرده و روز ۲۷ قلعه در محاصره واقع شد و ۱۶ اکتبر بوسیله ناوگان مورد بمباردمان قرار گرفت. پس از آنکه تمام استحکامات و ادار بسکوت گردیدند روز ۶ نوامبر امر به هجوم صادر شد ولی طرف عصر روز هفتم آلمانها پس از غرق ناوهای جنگی خود قلعه را تسلیم کردند.

فالتین بالغ بر ۵۰۰۰ نفر اسیر گرفتند. از آن تاریخ به بعد فی الحقیقه ژاپون شرکت خود را در عملیات جنگی متروک داشت.

نتیجه عملیات مرحله اول جنگ

عملیات نخستین جنگ بین الملل را میتوان بطریق ذیل تحت بررسی قرارداد : عملیات بطور کلی در همه جا جنبه مانوری داشت. در اثر فعالیتی که طرفین در عملیات ابراز نمودند محاربات فقط جنبه تصادفی بخود گرفته بود.

راجع بروسیه میتوان گفت که تمهیدات سیاسی اجرای عملیات آن دولت را دچار مضیقه نموده بود در صورتیکه دول مرکزی گرفتار چنین محظوری نبودند ؛ ولی فرانسه در انجام تمهیدات خویش چندان مقید نبود.

عملیات این مرحله نتایج قطعی نداده ؛ ولی در جریان بعدی جنگ تاثیرات کلی بخشید.

در نتیجه عملیات این مرحله فرانسه و روسیه (مقابل جبهه اطریش) با اشتباهات خود از حیث تمرکز قوا و نقشه های جنگی واقف گشته و توانستند که در مرحله بعدی رفع آن بردارند.

تعرض سریع روسها در پروس شرقی موجب نجات فرانسویها گردید : چه آلمانها در موقع اخذ نتیجه ناگزیر دو سپاه و يك لشکر سوار را برای اعزام به پروس شرقی از جبهه آنها برداشتند (بالاخره آلمانها بمنظور متوقف ساختن قوای روس مجبور شدند که در جبهه غرب موقعیت تدافعی گرفته و بدین ترتیب در آن جبهه ابتکار و آزادی عملیات بدست فرانسویها افتاد) .

تعرض قوای فرانسویها در آلتزاس لرن آلمانها را وادار کرد که این سپاه های اعزامی به پروس شرقی را از جناح راست خود بردارند نه از جناح چپ و بدین طریق نقشه شلیفن بکلی مختل گردید .

موقعیت خطرناک پاریس روسها را مجبور ساخت که عملیات جدی خود را بر ضد آلمان ادامه داده و از خیال تعرض از سمت ورشو نیز منصرف نشوند .

عملیات دلیرانه ارتش صربستان موجب تمرکز و توقف دو ارتش اطریش در مقابل آن گردید .

نصایات جنگی تجربه حاصله از جنگ با ژاپون را راجع بطولانی شدن محاربات و اهمیت توپخانه سنگین در محاربات صحرائی تأیید نمود و مصرف ییحد و حصر مهمات را نیز که در جنگ های گذشته سابقه نداشت آشکار ساخت .

بخش پنجم

جریان جنگ در سال ۱۹۱۴

مرحله دوم [از ۲۵ اوت تا ۵ سپتامبر]

صحنه غرب: عقب نشینی ارتشهای متفقین . تهیه فتح مارن . فرماندهی آلمان از ۲۷ اوت تا ۵ سپتامبر - نتیجه . صحنه شرق: عملیات در روس شرقی: نبرد تانن برگ - صحنه اطربش و روس: عملیات گروه های غربی تا عملیات تو ماشو - عملیات گروه های شرقی تالامبرگ - بحران عملیات - عملیات دریایی و مستعمراتی - نتیجه .

صحنه غرب: عقب نشینی ارتشهای متفقین

۱ - تهیه فتح مارن

الف) نتیجه شکست سرحدات

محاربان که از ۲۰ تا ۲۵ اوت بین ویرتن (Virton) و مونس (Mons) واقع گشت فتح غیر قابل انکار آلمانها منتهی گردید . فتح آلمانها در اثر نکات ذیل میباشد: اولاً در نتیجه ابتکار استراتژیکی است که توانستند اتخاذ نمایند ، ثانیاً در اثر غانلگیری است که بواسطه حرکات احاطه ای وسیعی از میان بلژیک جهة آنها فراهم گردید ؛ ثالثاً در نتیجه آمادگی کامل و قابل تحسین آنها است .

عدم موفقیت متفقین را میتوان بعلم ذیل مربوط دانست :

اولاً - فرانسویها در بدو امر اگر هم بکلی بایند احترام ببطرفی بلژیک نبودند لاقلاً رعایت آنرا بینمودند و نمیخواستند این بطرفی بشدت تقض شود باین واسطه آرایش جنگی اولیه آنها بحد کافی توسعه نداشت و انعطاف پذیر نبود .

ثانياً - بواسطه نقشه فرانسویها بود که دو عمل تعرض را پیش بینی میکرد یکی از آنها تعرض در سمت شرق بود که نصف نیروی تحت السلاح فرانسه را وارد عملیات در ناحیه سخت صکوهستانی و مستور از جنگل مینمود که در آنجا دشمن با انکاء بدو قلعه درجه اول (مس و ستار-بورگ) بمانور مبادرت میکرد . ثالثاً - در اثر بی اطلاعی فرانسویها بود از اهمیت و تقسیم بندی قوای دشمن مأمور ضربت بدوی .

رابعاً - بواسطه فقدان وحدت فرماندهی و عدم تنظیم و تطبیق عملیات نیروی متفقین بود خاصه دره واردی که آن وحدت منتهای ضرورت را داشت و در نقطه ای که دشمن مشغول اجرای کوشش اصلی خویش یعنی عملیات در جناح راست خود بود و با سه ارتش مستقل ذیل : ارتش فرانسه ، ارتش انگلیس و ارتش بلژیک مصادف میگردد . بالاخره علت دیگر عدم کامیابی فرانسویها نیز در اثر اشتباهانی بود که ضمن اجرای عملیات مرتکب شدند .

این بود علل اصلی عدم موفقیت اولیه متفقین .

اینک به بینیم چه نتیجه ای از آن شکست حاصل شد :

نخست نیروی متفقین پراکنده گشت : ارتش بلژیک به آنورس عقب نشست ، و تا ماه اکتبر ۱۹۱۴ ، که به نیروی متفقین ملحق گردید ، در عملیات مشترک شرکت نکرد . ارتش های ۴ و ۵ فرانسه که روز ۲۲ اوت : اولی جبهه سمت شمال شرق کنار رود سموا (Semoy) و دومی جبهه بشمال کنار رود سامبر با دشمن درگیر شده بودند ، بکلی از یکدیگر جدا شدند .

بعلاوه جناح چپ نیروی انگلیس و فرانسه از طرف يك توده قوای خصم که فوق عددی داشت مورد تهدید احاطه واقع شده بود .

بنا بر این مامی بینیم که فرمانده کل نیروی فرانسه قبل از هر اقدامی مجبور بود لژادی مانور را که مختل شده بود مجدداً بدست آورد ، پس از آن بمنظور تشکیل يك توده ای قوا در جناح چپ خود که نه فقط قادر بمقاومت در مقابل دشمن

باشد بلکه بتواند بنوبه خود نیز با اجرای مانور مبادرت کند اقدام بتجدید تنسیقات نیروی خویش نماید.

چنانکه قبلاً دیدیم ژنرال ژوفر روز ۲۲ اوت کوشش کرد که بوسیله ارتشهای ۳ و ۴ بمنظور شکافتن مرکز دشمن که منبسط و ضعیف فرض شده بود بمانوری مبادرت نماید، که در نتیجه آن توده مانوری خصم را از قوای عمده آن جدا سازد. این مانور، که يك نمايشی بیش نبود، بعدم موفقیت منتهی گردید، همانطور که نظیر آن مانور از طرف آلمانها برای شکافتن نقطه اتصال دو ارتش جناح راست فرانسویها توفیق نیافت (در نبرد شارم). این تجربیات نشان میدهد که برای حصول موفقیت در این قبیل مانور بایستی از حیث وسایل نسبت بدشمن فوق کمر شکنی و احاطه بود. فرمانده کل فرانسه درصدد برآمد که بنوبه خود جناح احاطه کننده آلمان را بوسیله مانور احاطه نماید.

ب) تصمیم

ژنرال ژوفر این تصمیم را عصر ۲۵ اتخاذ کرد، و شب ۲۶ بوسیله دستور عمومی شماره ۲ بارتوها ابلاغ نمود که مفاد عمده آن از قرار ذیل است:

«چون ممکن نشد که مانور تعرضی منظوره اجرا گردد لذا عملیات بعدی طوری تنظیم خواهد شد که در جناح چپ بوسیله الحاق ارتشهای ۴ و ۵ و ارتش انگلیس و قوای جدیدی که از شرق برداشت شده يك توده ای تشکیل گردد که قادر بتجدید تعرض باشد در حالیکه سایر ارتشها، برای مدت لازم، از تلاش دشمن جلوگیری بعمل آورند.»

ورده بمنزل مسعود ارتشها خواهد بود، فرمانده کل فرانسه امیدوار است موقعبکه ارتشها بجهت ذیل رسیدند حرکت تعرضی شروع شود: (نقشه شماره ۹)

ارتش ۳: از ورده تا گران پره (Grand-Pré)

ارتش ۴ : در عقب رودان از ووزیه تا کینیکور (Vouziers-Guignicourt).
ارتش ۵ : در جبهه دفاعی کراون - لائون - لافر (Craonne-Laon-
La Fère) ، و توده آن در ناحیه سن کاتن - ورممان (Vermand) ، برای حرکت
بسمت بهن (Bohain) حاضر باشد .

ارتش انگلیس : در عقب رود سوم (Somme) از بره تا هام (Bray-Ham).
ارتش ۶ از ۲۷ اوت تا ۲ سپتامبر ، در ناحیه آمین (Amiens) تشکیل یافته
و برای تعرض بجانب شمال یا شمال شرق آماده باشد .

پوشش کلیه این آرایش در سمت چپ نخست بوسیله قوای سوار بعد کنار سوم از
یکینی (Picquigny) تا دریا بوسیله یک گروه لشکر های پاسبان که تشکیل سدی
میدهند بعمل خواهد آمد .

بعلاوه دستور مزبور خاطر نشان کرده بود که عقب نشینی نیرو بایستی تحت
حمایت عقب دارها که برای مبادرت به حملات متقابله مختصر و شدید از عوارض زمین
استفاده کرده و عنصر اصلی آن توپخانه خواهد بود صورت گیرد .

این مانور فی الواقع فقط در صورت اغتنام حد اکثر فرصت با از دست دادن
حد اقل مقدار اراضی ممکن الاجراء است چه قرار بود قوای مأمور تشکیل ارتش ۶
و تقویت ارتشهای جناح چپ از ارتشهای سمت راست (۱ - ۲ - ۳) برداشت شود .

ج) اجرا

اجرای نقشه فوقرا در روز های بعد خواهیم دید .

عقب نشینی متفقین از ۲۵ اوت تا اول سپتامبر (نقشه شماره ۹)

ارتشهای ۳ و ۴ فرانسه : این دو ارتش که در محور واقع بودند حرکت
آنها نسبتاً سهل بود ، و چون دشمن هم در اثر ضربت ۲۲ اوت شدیداً صدمه دیده بود
لذا از فشار او به سولت جلو گیری میکردند . روز ۲۵ اوت ارتش لرن دران (Etain)
به یک محاربه درختانی مبادرت نمود چه در آن محاربه قوای دشمن را که از مس

برای تهدید پهلوی راست ارتش ۳ خارج شده بود بطرف مس عقب‌راند و جناح چپ سپاه ۱۶ آلمان را (که سپاه جناح چپ و لیمه بود) با همان ضربت عقب‌نشانند . روز ۲۶ هر دو ارتش کنار موز قرار گرفتند : ارتش ۳ از وردن تا ساسی (Sassey) ، ارتش ۴ از نقطه اخیر تا مزیر (Mézières) .

روز ۲۷ و ۲۸ اوت ارتش ۴ که شدیداً مورد حمله قرار گرفته بود کاملاً درگیر شد که دشمن را در کنار موز نگاهدارد . در نتیجه دشمن موفق نشد در ساحل چپ قدم گذارد مگر در بعضی نقاط : در سدان ، موزون (Mouzon) در شمال استنه (Stenay) . ارتش ۴ برای اثبات موفقیت خویش ۴ ساعت کنار موز توقف نمود ، روز ۳۰ و ۳۱ اوت ارتش مزبور يك وقفه جدیدی در جبهه تورن - کانرشان - ونک (Thénorgnes - Quatre - Champs - Voncq) بعمل آورد . این محاربات معروف به نبرد موز و سینی لابه (Signy-l'Abbaye) میباشد .

روز اول سپتامبر نیروی فرانسه بدون زحمت زیادی عقب نشینی کرد : ارتش ۳ بجبهه بتسکور - من فوکن - اکزرمون (Béthincourt-Montfaucon-Exermont) ارتش ۴ بجنوب خط گران پره - اور - سن اتین (Grand-Pré-Aure - Saint-Etienne)

روز ۲۹ اوت برای سبک نمودن ارتش ۴ که در طی عملیات قبل فوق‌العاده بزرگ شده بود و برای پوشاندن پهلوی چپ او که در اثر پیدا شدن شکاف بین آن ارتش و ارتش ۵ مکشوف گردیده بود ، فرمانده کل نیروی فرانسه از عناصر سمت چپ ارتش ۴ (دولانگل) که بوسیله برداشت دولشکر از ارتش ۳ و ۲ آنرا تقویت نموده بود تشکیل يك قوای تحت فرماندهی ژنرال فس (Foch) داد . (روز ۴ سپتامبر قوای مزبور ارتش ۹ را تشکیل میدهد) .

این قوا روز اول سپتامبر در کنار رود سوئیپ (Suippe) در پهلوی چپ ارتش ۴ استقرار یافت .

- وضعیت ارتشهای ۵ و ۶ فرانسه و ارتش انگلیس : روز ۲۶ اوت در جناح چپ از قرار ذیل بود :

ارتش ۵ : در آن تاریخ در جبهه روکروا - آون - ماروال (Rocroy) (Avesnes-Marailles) قرار گرفته بود .

ارتش انگلیس : در خط کامبره - لوکانو - لاندرسی (Cambrai) (Le Cateau-Landrecies) واقع بود .

سپاه سوار : در عقب جناح چپ ارتش انگلیس .

ارتش ۶ (مونوری) در ناحیه آمین (Amiens) بوسیله سپاه ۷ (از آلامس) و لشکرهای احتیاط ۵۵ و ۵۶ (از لرن) و لشکرهای ۶۱ و ۶۲ (از حکومتی نظامی پاریس) شروع بتشکیل یافتن نموده بود ، بعداً سپاه ۴ و لشکر ۵ ۴ یاده (از آفریقا) بآن علاوه شد . با موریت ارتش مزبور که دوم سپتامبر مجتمع میگردد مبادرت بتعرض بجناح راست بوده ، قرار بود که تعرض عمومی بوسیله حرکت این ارتش بجانب شمال شرق شروع شود .

در انتهای جناح چپ ، ژنرال داماد (d'Amade) بالشکرهای پاسبان خود برای ایجاد سدی بین کوردی (Corbie) و سُم بکنار سُم عقب نشینی کرد . ولی از روز ۲۶ مخاطرات جدیدی بروز کرد که اجرای نقشه فرمانده کل را دچار اختلال مینمود .

وضعیت در حالتی که ارتش ۵ بدون زحمت زیادی مشغول ادامه عقب نشینی بود ، ارتش انگلیس اطلاع داد که سپاه سمت راست او بین لاندرسی و لوکانو شدیداً مورد حمله قرار گرفته و بسمت جنوب بطرف گوئیز (Guise) عقب نشینی میکنند . حالیکه جناح چپ او که تحت پوشش قوای سوار نظام سورده است در سمت غرب بجانب لوکانله (Le Catelet) عقب میرود . بدین طریق ارتش انگلیس که در معاویات اخیر صدمه دیده بود ارتباط خود را از دست داده و نکته وخیم تر این بود که ارتش مزبور در عوض رفتن بسطلی که برای آن در عقب سُم بین ارتش ۵ و فرانسه معین شده بود خود را بمنطقه ارتش ۵ فرانسه انداخت .

از طرف دیگر در ۲۸ اوت ، قوای مقدم فن کلوک به پرن (Péronne)
رسیده و در آن روز لشکرهای پیاده و احتیاط ارتش ۶ را ، که عازم این نقطه بودند ،
بعقب رانده و بدین طریق در منطقه تجمع آن ارتش داخل گردید .
منظور متفقین این بود بهر قیمتی حرکت دشمن را بتأخیر اندازند ، چه در غیر
این صورت استقرار متفقین غیر ممکن می نمود . منشاء نبرد گوئیز (Quise) ، که روز
۲۹ از طرف ارتش ۵ بآن مبادرت شد ، همین ضرورت مبرم بوده است . این
درگیری ، نه تنها برای گارد و سپاه ۱۰ پروس درس عبرتی شد و در ارتش ۵ فرانسه
هم اعتماد و اطمینان تولید نمود ، بلکه نتیجه آنی آن نیز این شد که دشمن ناچار
کلیه نیرو و مساعی خود را در مقابل ارتش ۵ تمرکز داد ، و بدین وسیله ارتش انگلیس
و ارتش ۶ نیز از قید فشار و مضیقه رهائی یافتند ، ستونهای آلمان که بسمت سم
پیش می رفتند غفلتاً برگشتند که در نبرد شرکت جویند ، عناصر جدید الورود ارتش
مونوری توانست عقب نشینی را که شروع کرده بود متوقف سازد ، ارتش فرنج
نیز در عقب نشینی معجل خود بجهت سواسن - رتوند (Soissons-Rethondes)
مختصری توقف نمود .

گرچه نتیجه نبرد گوئیز مطابق منظور فرماندهی بود و معیناً وضعیت در وخامت
خود باقی بود ؛ چه دشمن تعاقب خود را بطور شدید ولی با احتیاط بیشتری ، ادامه
میداد ، مارشال فرنج در جواب ژنرال ژوفر که از او تقاضا نموده بود عقب دارهای
خود را بمعاذات ارتشهای ۵ و ۶ نگاهدارد اظهار نموده بود که قوای او ناده روز
دیگر قادر بشرکت در عملیات ترمیمی نخواهد بود و در نظر دارد برای ترمیم
و استراحت ارتش خویش بناحیه مانت - پواسی - سن ژرمن - مانتس - پواسی (Mantes-poissy)
(Saint-Germain) برود (۳۰ اوت) . ولی در این تاریخ ارتش ۶ که قبلاً
بکنار رود آور (Avre) بین موندیدیه و موروی (Montdidier-Moreuil)
عقب نشسته بود بناحیه کلرمن (Clermont) رسید ، ارتش ۵ پشت رود سر
(Serre) عقب نشست .

بدین طریق بین ارتشهای ۵ و ۶ شکاف عظیمی ایجاد شده بود که ارتش انگلیس تا
چند روز دیگر بمسدود کردن آن قادر نبود .

د) عقب نشینی از اول تا ۵ سپتامبر

برگه اجرایی عقبه ای که در دستور شماره ۲ فرانسه مورخه ۲۵ اوت پیش بینی شده بود، و اساساً مضمون انتقال مرکز عمل کلیه نیروی جناح چپ و استقرار ارتباط بین ارتشها بود، شرایط لازم فراهم نشده بود.

در مقابل آن وضعیت فرمانده کل نیروی فرانسه با حفظ تصمیم خویش در مبادرت با حاطه جناح راست دشمن با ادامه عقب نشینی نن درداد، تا در حین عقب نشینی قوای خود را تنسيق داده و جناح چپ خویش را تقویت نماید. از ۲۹ اوت تا ۲ سپتامبر احکامی صادر نمود که بانکات ذیل مطابقت میکرد:

ارتش ۶ متوجه پاریس شده و مأموریت آن پوشش پایتخت است. پس از نزدیک شدن پاریس ارتش مزبور بوسیله سپاه ۴ و لشکره ۴ پیاده و تیراندازان دریائی تقویت خواهد شد؛ ارتش مزبور تحت امر حاکم پاریس قرار میگردد و حاکم مزبور هم پس از حرکت دولت به بردو (Bordeaux) تحت امر فرمانده کل قرار خواهد گرفت.

گروه لشکرهای باسبان بسمت روان (Rouen) پشت رود سن (Seine) عقب خواهد نشست.

ارتش انگلیس بساحل جنوبی مارن بین مو (Meaux) و شانونیری خواهد رفت. بالآخره دستور عمومی شماره ۴ مورخه اول سپتامبر حدود تعرض جدیدی را، که در دست تهیه بود، مبین میکرد.

مفاد دستور مزبور از اینقرار بود:

با وجود موفقیتهای تاکتیکی که ارتشهای ۳، ۴ و ۵ در ناحیه موز و در گوئیز تحصیل کرده اند، حرکت تجاوزی دشمن نسبت به جناح چپ ارتش ۵ که جلوگیری از آن از طرف ارتش انگلیس و ارتش ۶ غیرممکن بود مجموع آرایش ما را مجبور به تجدیدن در محور مستندات مینماید.

بعضی اینکه ارتش ۵ از تهدید احاطه دشمن، که در جناح چپش محسوس است،

خلاصی باید مجموع ارتشهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ نرض و تجدید خواهند نمود .
حدودیکه بایستی در حرکت عقب نشینی منظور گردد ، بدون آنکه رسیدن بیان
اجباری باشد ، از قرار ذیل است :

برای ارتش ۳ : ناحیه شمال بارلودوک (Bar-le-Duc) ؛
برای ارتش ۴ : ناحیه عقب رود اوب (Aube) در جنوب اوسی سور اوب
(Arcis - Sur - Aube) ؛
برای ارتش ۵ : ناحیه عقب رود سن در جنوب نوژان سور سن (Nogent - Sur -
Seine)

هنگام اجرای حرکات عمومی فوق ، فرمانده کل نیروی فرانسه چنانکه تذکر
دادیم برای تقویت جناح چپ و تکمیل ارتباط ارتشها بر مبنای قوای خویش میبهره آزد .

ایجاد ارتش ۹ (نرس) هم با همین نقشه مطابقت داشت .
بعلاوه ارتشهای ذیل بدین طریق تقویت می شدند :
ارتش ۳ بوسیله سپاه ۱۵ که از ارتش ۲ گرفته شده بود ؛
ارتش ۴ بوسیله سپاه ۲۱ که از ارتش یکم گرفته شده بود ؛
ارتش ۹ بوسیله يك لشکر پیاده از سپاه ۹ که از ارتش ۲ گرفته شده بود ؛
ارتش ۶ بوسیله سپاه ۴ و لشکر ۵ پیاده .

لشکرهای ۸ و ۱۰ سوار ، که از شرق میآمدند ، با تفاق لشکر ۴ سوار يك سپاه
جدید سوار تحت امر ژنرال کونو (Conneau) تشکیل میداد که ضمیمه ارتش ۵ گشته
و تأمین ارتباط با ارتش انگلیس را بر عهده داشت .

لشکرهای ۶ و ۹ سوار نیز يك سپاه سوار دیگری بر ماندهی ژنرال دپه
(de l'Épée) تشکیل میدادند که تابع ارتش ۹ بوده و استقرار ارتباط بین ارتشهای
۹ و ۴ را عهده دار میگردد .

بدین قرار قصد مانوری که در دستور عمومی شماره ۴ فرانسه مورخه ۲۵ اوت
وجود داشت ، اینک در دستور شماره ۴ اول سپتامبر نیز موجود بود . محور حرکت
تغییر نگردیده بود ؛ ولی در عوض ، مانور احاطه ای جناح چپ متغییر ، بواسطه وجود

ارودوگاه مستحکم پاریس در انتهای آرایش ، تقویت گردیده و مرکز مقر خط
جبهه متفقین هم از ملن (Melun) تا برین (Brienne) برود سن و اوب
(Aube) منکی میگردد . اکنون دیگر باید انتظار داشت دشمن در اقدام افتاده
و از جناحین در معرض حمله متقابل قرار گیرد .

مانور مزبور مانند هر تصمیم جدی ، متضمن يك سلسله مخاطرات بود .

ارتش متفقین يك مرحله جدید عقب نشینی ، که باعث فرسودگی قوای جسمی
و روحی افراد میگردد ، مبادرت مینمود و وجهه سرباز فرانسوی ، که آن را
حساس معرفی میکنند ، تا آن تاریخ متزلزل نشده بود . ولی آیا چنین عقب نشینی
بی پایانی این وجهه را در هم نمیشکست ؟

بعلاوه جبهه نبرد متفقین در اثر تهیه کبسه ای که دشمن میبایستی در آن بقتدنازک
شده و محتمل بود که تحت فشار جبهه ای دشمن گسیخته شود ،

بالاخره بزرگترین خطریکه نسبت بسایر مخاطرات مهمتر و ممکن بود متوجه
متفقین گردد موقعی بود که آلمانها بوجود دام بی برده و از افتادن در آن احتراز
جویند ، در آن صورت تمام نتیجه و نمر مانور مزبور بهدر رفته و اراضی ای که بمنظور
اجرای آن مانور از دست داده شده بود بیجهت از کف میرفت .

راجع بمخاطرات روحی ، فرمانده کل مراقبت نموده و برای احتراز از آن
در احکام خود خاطر نشان کرده بود که مقصود از این حرکت ، عقب نشینی نیست
بلکه منظور اجرای مانوری است که مقدمه تعرض و نائل شدن بفتح میباشد . فقط
اشخاصی که در آن ساعات حضور داشتند میدانند که سربازان فرانسوی در این ایام
قبل از نبرد مارن چه فداکاری از خود بروز دادند ، بالاخره منظور فرماندهی کل
را سهولت درک کردند .

بعلاوه دشمن تصمیم فرانسویها را تقویت میکرد : چه تمام شبها را در قراء
و قصباتی که فرانسویها را کرده بودند ایجاد حریق مینمود و نشان میداد در صورتیکه
فرانسویها جنگ را بیازند میهن آنها دچار چه عواقب وخیمی خواهد گردید .